

# نوروز

## در فرهنگ ایرانی

### جستاری در تاریخچه پیدایش نوروز و آیین‌های مربوط به آن

کیوان لؤلویی\*

توجه بوده و تحقیقات زیادی نیز درباره تاریخچه پیدایش و آیینهای مربوط به آن صورت گرفته است. هیچ تردیدی نیست که نوروز در آغاز سال قرار داشته و ریشه عمیق فرهنگی و تاریخی دارد. با شروع نخستین روز بهار، جشن سال نو ایرانی آغاز می‌شود و این جشن که سالیانه چندین روز به طول می‌انجامد، موجب سرور و شادمانی شده است و مردم در این ایام همگی به گونه‌ای رفتار می‌کنند تا نشان دهند دوران جدیدی برای آنها آغاز گردیده است. از این رو خانه‌تکانی کرده، جامه‌های نو به تن می‌کنند و به دیدار یکدیگر می‌روند. این روزها، در واقع روزهای بیداری طبیعت است. در ظرف چند روز همه چیز عوض می‌شود و پس از یک خواب طولانی زمستانی، بهار سرسبزی را به ارمغان

یکی از افتخارات ملی هر قوم و ملتی که نشان از ساختار و سابقه فرهنگی - تمدنی ایشان دارد، اعیاد و جشن‌ها می‌باشد، به خصوص اعیادی که از نظر دیرینگی تاریخی و مذهبی ریشه‌دار باشد و در طول زمان در امتزاج با اعتقادات و آداب و رسوم ملت‌ها، جلوه و جایگاه خاصی یافته، به طوری که بدون آنها، هیچ ملتی هویت واقعی ندارد و به نوعی از خودبیگانگی دچار خواهد شد.

در این میان، ایران با قدمتی چندین هزار ساله، مفتخر به داشتن اعیادی است که نه فقط در این سرزمین، بلکه در نزد سایر ملل نیز، مبارک و با جشن و سرور همراه است. از جمله این اعیاد، عید نوروز است که مقارن با نو شدن سال و بهار طبیعت می‌باشد.

بحث در خصوص نوروز به اندازه خود آن کهن و قدیمی است و از گذشته تا به حال، همواره مورد

\* - کارشناس ارشد تاریخ.

گرچه تصرف ایران باعث پرتاب شدن به دنیای وسیعتری تحت عنوان امپراتوری اسلامی گردید، اما این امر باعث نشد که ایرانیان برخلاف برخی ملل مثل مصری‌ها کاملاً در فرهنگ و تمدن اقوام غالب تحلیل روند. ایرانی نه فقط هستی و موجودیت خویش را به عنوان جامعه‌ای که دارای سنن فرهنگی و آداب و رسوم ملی و قومی مستقل بود، حفظ کرد؛ بلکه به اثبات رساند موجودیتی تاریخی و ماندگار دارد. این امر و شیوه عمل را قبل از هر چیز باید ثمره فرهنگ غنی و وسیع ایرانی دانست.



عید سُکر خوانده می‌شود از نوروز ایرانی تقلید نموده‌اند. ایرانیان در اصل این عید را در انقلاب تابستانی و در روز بیست و یکم ژوئن جشن می‌گرفتند، اما در نتیجه دشواری در اصلاح تقویم، نوروز ایرانیان به اعتدال ربیعی افتاد و با اصلاحی که در دوره ملکشاه سلجوقی در آن به عمل آمد، سال «نو» در روز بیست و یکم مارس یعنی آغاز نوروز سلطانی تعیین شد که تاکنون نیز آغاز بهار، شروع سال نو ایرانی است. روز ششم همین ماه که امشاسپند هورتات (خرداد) نام داشت، نوروز بزرگ بود.<sup>۲</sup> نوروز بزرگ را روز امید نیز می‌خواندند، زیرا چنین می‌پنداشتند که در این روز،

می‌آورد و این تجدید حیات و رستاخیزی است که نماد و سبقتی از تجدید حیات و رستاخیز عظیم است.<sup>۱</sup>

در تقویم مزدیسنا، جشن سالیانه به دنبال یک دوره ده روزه قرار دارد که «دیه» یا «فروردگان» نامیده می‌شود و نوعی یادبود است، یادبود آفرینش مردمان که نیز تجسمی از آینده و رستاخیز عظیم را دارا می‌باشد. سیری در تاریخ جشن‌های سالیانه ایرانیان در دوره ساسانی، حکایت از این دارد که نخستین روز فروردین، آغاز سال ایرانیان است و این روز را نوروز خوانده و جشن بسیار باشکوهی برپا می‌داشتند. سفدیپان این جشن را «نوسارد» به معنی سال نو می‌نامیدند. در نوروز مردم به دوستان و نزدیکان شیرینی تعارف می‌کردند و این رسم تا به این زمان پابرجا مانده است. ترکان عثمانی، عید پایان ماه رمضان را که

۱- جهت اطلاع بیشتر در مورد تاریخچه نوروز ر.ک. پرویز اذکایی، نوروز، تاریخچه مرجع‌شناسی، ص ۵ به بعد  
 ۲- ذبیح‌الله صفا، گاه‌شماری و جشن‌های ملی ایران باستان، ص ۳۰.

تقدیر نیکبختی را بر ساکنان زمین تقسیم می‌کنند. در این روز مردم به یکدیگر آب می‌پاشیدند و برخی بر این باور بودند که نوروز به فرشته نگهبان آب، اختصاص دارد. گروهی نیز بر این عقیده بودند نوروز یادگار روزهای خوشی است که جمشید، پادشاه اسطوره‌ای ایران فرمان داد مردم به کندن نهر پردازند تا فقدان آب و امساک باران را جبران نماید و نیز گویند که نوروز یادبود روزگاری است که مردم به فرمان جمشید با آب، تن خود را از پلیدی پاک کردند.

همچنین نقل است که هرمز پسر شاپور اول، دو نوروز را به هم پیوست و فرمان داد تا روزهای میان دو عید را جشن گیرند و بر بلندی‌ها آتش افروزند و این کار را به فال نیک گیرند. توضیحی خردگرایانه چنین گوید که «نوروز روز پاک کردن هوا نیز بوده است».<sup>۳</sup>

از نظر ریشه تاریخی، این اعیاد و جشن‌ها غالباً بقایای اعیاد کشاورزان و روستاییان بود که برخی از آنها به وسیله اساطیر با مراسم مذهبی مربوط شده و از این جهت اهمیت خاصی پیدا کرد و از جمله در جشن فروردگان، خوردنی و نوشیدنی نثار درگذشتگان می‌شد. جشن نوروز همچنین زندگی چوپانی و شبانی را به یاد می‌آورد که تمام ماه فروردین به شش نوبت پنج روزه تقسیم می‌گردید و مراسم هر نوبت، اختصاص به دسته و طبقه‌ای خاص داشت.

از آنجا که برخی عناصر فرهنگ ایرانیان، قوی‌تر از اعرابی بود که این سرزمین را گشودند، بنابراین ایشان موفق نشدند ملت ایران را همانند مردمان سایر مناطق فتح شده، به سرعت و تمامیت جذب کرده و در خود تحلیل برند، در نتیجه روح ایرانی تا مدت‌ها خاطره عظمت گذشته ساسانی را در یادها زنده نگاه داشت و چون آرزوی فرمانروایی یک پادشاه دادگر که از سوی پروردگار به این سمت مبعوث خواهد شد، در دل‌های ایرانیان به طور عمیق ریشه داشت، و در لوی این آرزو یک ایمان راسخ



وجود داشت، به این معنی که زندگی متمدانه ایرانیان، آن چیزی است که باید برای آن جنگید و لازمه رؤیای یک جامعه کامل - نه صرفاً شاهنشاهی بزرگ - را در سرزمین خود حفظ و نگهداری کرده و تداوم بخشید. این چنین است که گرامیداشت نوروز و احیا و حفظ آیین‌های کهن آن، از دیدگاه تاریخی، نوعی سازوکار دفاعی و مقابله فرهنگی و تا حدودی سیاسی در برابر غلبه و سلطه اعراب محسوب می‌شد. می‌دانیم که ایرانیان برای حفظ هویت و تمامیت فرهنگی، دست به نوعی مبارزه زدند، بدیهی است این امری طبیعی بود که اعراب برای همیشه نمی‌توانستند جلوی این تحوّل را بگیرند، زیرا به علت گسترش دایره زبان و فرهنگ

۳- مراد اورنگ، جشنهای ایران باستان، ص ۳۰.

سنن فرهنگی و آداب و رسوم ملی و قومی مستقل بود، حفظ کرد؛ بلکه به اثبات رساند موجودیتی تاریخی و ماندگار دارد. این امر و شیوه عمل را قبل از هر چیز باید ثمره فرهنگ غنی و وسیع ایرانی دانست. یک ملت خود آگاه با پشتوانه ستی و فرهنگی خود قادر بود خاطره گذشته را حفظ نموده و در وجدان ملی خود زنده نگاه دارد، به این دلیل سعی در حفظ رسوم و سنن ملی و قومی خود نظیر جشن نوروز داشت تا مانع قطع پیوند با گذشته شود.

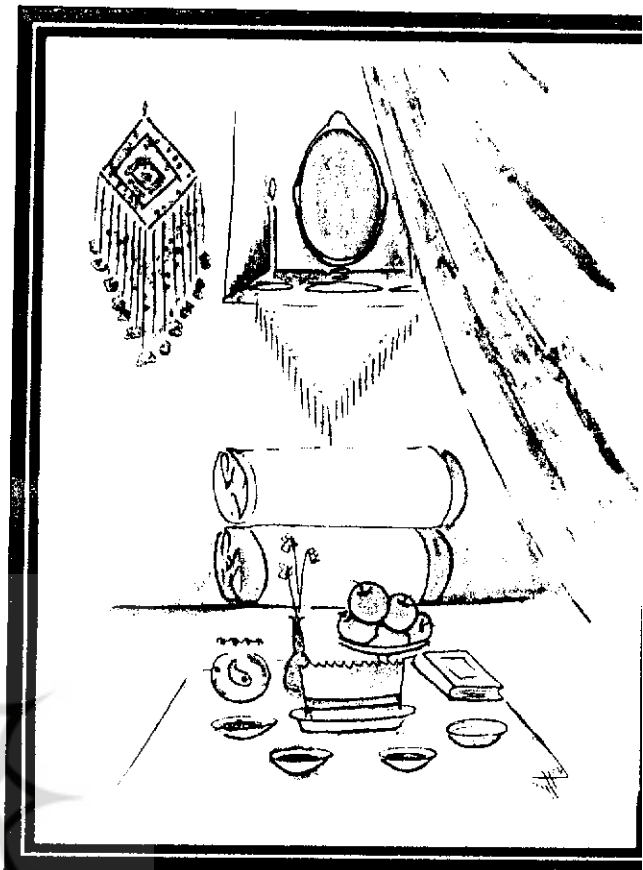
از آنجا که ایرانیان خردمند نمی خواستند به مقام و مرتبه ای که دون شأنشان بود تنزل پیدا کنند، به همین دلیل با حفظ سنن ملی و اعیاد و جشن ها، از تنزل به یک ملت دست دوم اجتناب ورزیدند و این مسأله برای تجلی واقعی شخصیت ایرانی ضرورت تام داشت.

درباره رابطه ایرانیان و اعراب باید گفت به تدریج کار به آنجا رسید که به اعرابی اجازه ماندن در ایران داده می شد که در اجرای آگاهانه آداب و رسوم ایرانی بکوشند و اعیاد ملی و مذهبی باستانی از جمله نوروز را جشن بگیرند و هدایای مرسوم باستانی را در این ایام بپذیرند.<sup>۵</sup> ذکر این نکته نیز ضروری است که تقویم قدیم زردشتی در مقابل سال قمری اعراب در خلال چندین قرن معتبر ماند و مورخان ایرانی نیز هر یک به یاد سنن و روایات باستانی خویش افتادند. اشخاصی نظیر: حمزه اصفهانی و دینوری تحت تأثیر علاقه به گذشته ایرانی خود، قسمت اعظم مطالب کتب خود را به حوادث قدیم و باستانی ایران اختصاص دادند. حتی دفاع از دین زردشتی جنبه اعتقادی و دینی نداشت، بلکه از روی اعتبار سیاسی و یا به عبارت بهتر بنا به مصلحت ملی انجام می گرفت.<sup>۶</sup>

۴- علی خوروش دیلمانی، جشن های باستانی ایران، ص ۵۰.

۵- فخرالدین سورتچی، محمد میرطاهری. نوروز در تاریخ شاهنشاهی ایران، ص ۳۷.

۶- اردشیر آذرگنسب، آیین برگزاری جشن های ایران باستان، ص ۴۵.



ایرانی، به تدریج ملت ایران به ماهیت واقعی و ارزش و اهمیت فرهنگ خویش پی بردند در حالی که سایر اقوام یا چنین فرهنگی نداشته، یا توانایی و قابلیت لازم برای حفظ فرهنگ خود را نداشتند.<sup>۴</sup>

این چنین است که می بینیم پس از گذشت یک قرن از غلبه اعراب، همچنان اعیاد قدیم، به خصوص نوروز که در آن زمان بیشتر از جنبه آداب و رسوم ملی رعایت می شد، باشکوه هر چه تمام تر جشن گرفته می شد و اکنون نیز چنین است. گرچه تصرف ایران باعث پرتاب شدن به دنیای وسیعتری تحت عنوان امپراتوری اسلامی گردید، اما این امر باعث نشد که ایرانیان برخلاف برخی ملل - مثل مصری ها - کاملاً در فرهنگ و تمدن اقوام غالب تحلیل روند. ایرانی نه فقط هستی و موجودیت خویش را به عنوان جامعه ای که دارای

با ورود اسلام به ایران، گمان می‌شد که نوروز به دست فراموشی سپرده شود، ولی این گمانی نابجا بود و برخلاف انتظار، نوروز در دوره تسلط اعراب، جلوه و حیات تازه‌ای یافت و حتی با آیین اسلام انطباق یافت و مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. در واقع این سرزمین مسلمان شیعی مذهب، بنا به علایق متین و استوار به دین مبین اسلام، نوروز خویش را رنگ اسلامی داد و عقاید و اعتقادات باستانی خود را در خصوص نوروز با احادیث و اخبار اسلامی در هم آمیخت و آن را مطابق با روز خلقت آدم، نشستن کشتی حضرت نوح(ع)، شکستن بت‌ها به دست حضرت ابراهیم(ع)، بعثت رسول اکرم(ص)، ولادت حضرت قائم(عج) و جلوس حضرت امیر(ع) به خلافت نمود.

اخبار اسلامی در هم آمیخت و آن را مطابق با روز خلقت آدم، نشستن کشتی حضرت نوح(ع)، شکستن بت‌ها به دست حضرت ابراهیم(ع)، بعثت رسول اکرم(ص)، ولادت حضرت قائم(عج) و جلوس حضرت امیر(ع) به خلافت نمود. علامه محمدباقر مجلسی در زادالمعاد آن قدر در فضیلت نوروز و اعمال مربوط به آن افزود که آن را به صورت یک عید اسلامی در آورد.<sup>۷</sup>

#### مآخذ

آذرگشسب، اردشیر. آئین برگزاری جشنهای ایران باستان، تهران، بنیاد فرهنگ آریائی، ۱۳۴۸.  
اذکائی، پرویز. نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.  
اورنگ، مراد. جشنهای ایران باستان، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۵.  
بزرگ‌زاد، حبیب‌الله. جشنها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران قبل از اسلام، اصفهان، بی‌نا، ۱۳۵۰.  
خوروش دیلمانی، علی. جشنهای باستانی ایران، تهران، اقبال، ۱۳۳۶.  
رضی، هاشم. گاه‌شماری و جشنهای ایران باستان، تهران، بهجت، ۱۳۷۱.  
سورتچی، فخرالدین. میرطاهری، محمد. نوروز در تاریخ شاهنشاهی ایران، ساری، شورای مرکزی جشن شاهنشاهی استان مازندران، ۱۳۴۵.  
صفا، ذبیح‌الله. گاه‌شماری و جشنهای ملی ایرانیان، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.

۷-ر.ک: محمدباقر مجلسی (علامه)، زادالمعاد.

احیای مجدد روح ملی ایرانی فقط در قلمرو نبرد ملی محدود نبود، بلکه با اجرای مراسم و آیین‌ها و برقراری جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی خود، نمایانده می‌شد. با کمال شگفتی باید گفت با وجود رسوخ و نفوذ آیین اسلام، رسوم باستانی هنوز در نزد ایرانیان زنده مانده و تجسم عینی آن که همین نوروز است، یکی از مظاهر بارز تجلی روح ایرانی است.

در واقع نوروز همواره نشانه‌ای از تاریخ مطول ایران است و در این روز نو، قوم ایرانی یاد عزت ایام کهن نیز کرده و نزدیک به بیست و پنج قرن است که روز اول فروردین را اول سال خود شمرده و به عنوان یکی از بزرگترین جشن‌های ملی خود قرار داده است.

این نشانه، در ایام تاریک تاریخ، همواره آرام‌بخش دلها و موجب بهجت قلوب ایرانیان بوده است. رسم نوروز نه فقط صحرا و باغ بی‌جان را زنده می‌کند، بلکه دل‌های مرده را نیز زندگی بخشیده و امید و قوت می‌دهد.

با ورود اسلام به ایران، گمان می‌شد که نوروز به دست فراموشی سپرده شود، ولی این گمانی نابجا بود و برخلاف انتظار، نوروز در دوره تسلط اعراب، جلوه و حیات تازه‌ای یافت و حتی با آیین اسلام انطباق یافت و مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. در واقع این سرزمین مسلمان شیعی مذهب، بنا به علایق متین و استوار به دین مبین اسلام، نوروز خویش را رنگ اسلامی داد و عقاید و اعتقادات باستانی خود را در خصوص نوروز با احادیث و